

بررسی مروری مبانی و مکاتب معماری اسلامی در جوامع اسلامی

ایمان نظریور*

چکیده

معماری اسلامی شامل سبک‌های معماری ساختمان‌های مرتبط با اسلام است، که شامل تمام سبک‌های مذهبی و غیرمذهبی معماری از زمان صدر اسلام تا به امروز می‌شود. معماری اسلامی اولیه تحت تأثیر معماری رومی، بیزانسی، ایرانی، بین‌النهرینی و تمام سرزمین‌های دیگری بود که مسلمانان در قرن هفتم و هشتم فتح کردند. یعنی اسلام به هر سرزمینی که دست یافت از هنر معماری آن مرز و بوم به شیوه تکامل یافته جدیدی در معماری رسید که ویژگی‌های فرهنگی و هنری آن قوم در آن لحاظ می‌شد، و هم تأثیر بینش و روح اسلامی، نوعی «وحدت» را در این آثار به بیننده نشان می‌داد. با گسترش اسلام به جنوب شرقی آسیا، معماری اسلامی نیز در این نقاط تحت تأثیر معماری چینی و هندی قرار گرفت. معماری اسلامی بعدها با استفاده از خوشنویسی اسلامی و طرح‌های هندسی خاص، ویژگی‌های منحصر بفردی در اشکال ساختمان‌ها و تزئینات ایجاد کرد. همچنین با گسترش اسلام در سرزمین‌های مختلف و تأثیر آن بر معماری شهرها در عین هماهنگی در روح معماری اسلامی اختلافاتی در سبک نقوش، به کارگیری رنگ، مصالح و... در مناطق مختلف دیده شد که منجر به پیدایش مکاتبی مختلف در سازه‌های معماری در جوامع اسلامی شد.

واژگان کلیدی: معماری اسلامی، مکتب، مبانی، جوامع اسلامی، مصالح، سبک.

*. دانش پژوه سطح ۳، رشته تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام)، مؤسسه امام رضا (علیه‌السلام).

مبانی معماری اسلامی

۱- مقدمه

برخی از پژوهشگران هنر اسلامی معتقدند که مؤلفه **خدامحوری** در همه اجزای بنای اسلامی ظهور داشته و شعار «لا اله الا الله» را تداعی می‌کند؛ به‌طوری که بنا دارای مرکزیت واحد بوده و فضای بیرونی و درونی خصوصاً با بهره‌گیری از آیات الهی، انسان را به همان نقطه واحد دعوت می‌کند.^۱

آن‌ها بر این باورند که معماران مسلمان، بنا را به گونه‌ای طراحی می‌کردند که همه اجزای آن مظهری از مظاهر الله بوده و ترجمانی از آیه ۱۱۵ سوره بقره باشد.

تیتوس بورکهارت، پژوهشگر هنر اسلامی، معتقد است آنچه مسجد قرطبه یا مدرسه بزرگ سمرقند را از یک سو به آرامگاه عارفی در مغرب یا بنایی در ترکمنستان پیوند می‌زند، نور واحدی است که ضامن وحدت معماری اسلامی است که از «توحید» سرچشمه می‌گیرد.^۲

برخی دیگر از محققان، «عدالت‌محوری» را به مهم‌ترین اصل در آثار هنری دوران اسلامی دانسته و آن را سرچشمه سایر اصول تلقی کرده‌اند.^۳ برخی دیگر نیز با رویکردی عرفانی به اصل «سیر از کثرت به وحدت» اشاره داشته و آن را نماد توحید در هنر معماری اسلامی دانسته‌اند.^۴

۱. بمانیان، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳.

۲. بورکهارت ۱۳۸۶، ص ۲۰۷.

۳. نقره‌کار، ۱۳۸۹، ص ۴۱۴.

۴. همان، ص ۴۱۵.

۲- جنبه‌های روحانی معماری مقدس

معماری مقدس و یا مذهبی گاهی فضای مقدس خوانده می‌شود. معمار نرمن. ال. کونس اظهار کرده است که هدف معماری مقدس، «شفاف سازی مرز بین ماده و ذهن، جسم و جان» است. در بحث معماری مقدس، کشیش پروتستانی رابرت شولدر اظهار کرده است که برای سلامت روانی، انسان‌ها باید جایگاه طبیعی و ذاتی خود را تجربه کنند؛ جایگاهی که ما برای آن خلق شده‌ایم که آن باغ است. در این بین ریچارد کیکفر اظهار می‌دارد که ورود به یک ساختمان مذهبی، استعاره‌ای است از ورود به رابطه‌ای روحانی. کیکفر بیان می‌کند که فضای مقدس می‌تواند با ۳ عامل مؤثر بر فرآیند روحانی تحلیل شود: فضای طولی بر حرکت رفت و برگشت دسته جمعی در مراسم مذهبی تأکید می‌کند، فضای تالار مانند، اشاره بر بیان و پاسخ دارد و فرم‌های جدید فضاها همگانی طراحی شده برای گردهمایی و بازگشتن تا درجات زیادی برای افزایش صمیمیت و اشتراک در عبادت، به مقیاس کوچکی احتیاج دارند.

معماری بیزانس با مشخصه قوس‌های گرد، طاق‌ها و گنبد هایش، تأثیر مهمی بر معماری اسلامی اولیه داشت. فرم‌های زیادی از مسجد در مناطق مختلف جهان اسلام پدید آمده‌اند. گونه‌های جالب توجه مسجد شامل مساجد اولیه عباسی، مساجد T شکل، مساجد گنبد مرکزی آناتولی می‌شود. سبک‌های اولیه در معماری اسلامی، مساجد با طرح عربی یا ستون دار را در سلسله امویان ایجاد کردند. این مساجد از یک نقشه مربع یا مستطیل با حیاط بسته و شبستان مسقف پیروی می‌کنند. اکثر مساجد ستون دار اولیه سقف‌های تخت در شبستان داشتند که به تعداد زیاد ستون و تکیه‌گاه احتیاج داشت. مزکویتا در قرطبه / اسپانیا مانند یک مسجد ستون دار و متکی بر بیش از ۸۵۰ ستون ساخته شده است. مساجد طرح عربی تا سلسله عباسیان ادامه یافت.

عثمانیان مساجد گنبد مرکزی را در قرن ۱۵ با یک گنبد بزرگ در مرکز شبستان معرفی کردند. اغلب علاوه بر داشتن یک گنبد بزرگ در مرکز، گنبدهای کوچکتری نیز

خارج از مرکز، بالای شبستان یا سرتاسر نواحی مسجد، در نواحی که نماز خوانده نمی‌شود، وجود دارد. گنبد مسجد قبة الصخرة در اورشلیم احتمالاً شناخته شده‌ترین نمونه مسجد گنبد مرکزی است. مساجد ایوانی بیشتر به خاطر تالارهای گنبددار و ایوان‌هایشان که فضاهای طاق‌دار از یک سمت باز هستند، قابل توجهند. در مساجد ایوانی، یک ایوان یا بیشتر به سمت حیاط مرکزی رو می‌کنند که به‌عنوان نمازخانه به کار می‌روند. این سبک اقتباس یافته از معماری ایران قبل از اسلام را نشان می‌دهد و منحصرأ در مساجد ایران استفاده شده است. خیلی از مساجد ایوانی، تغییر یافته آتشکده‌های زردشتی هستند، جایی که حیاط به‌عنوان جایگاه آتش مقدس استفاده می‌شده است. امروزه مساجد ایوانی دیگر ساخته نمی‌شوند. مسجد شاه در اصفهان/ ایران مطابق بهترین نمونه مسجد ایوانی است. یک خصیصه متداول در مسجد، مناره است. برج بلند و باریکی که اغلب در یکی از گوشه‌های ساختمان مسجد واقع شده است. بالای مناره معمولاً بلندترین نقطه مساجدی هستند که یکی (یک مناره) دارند و معمولاً بالاترین نقطه در فضای بلافصل. مساجد اولیه مناره نداشتند؛ اولین مناره در سال ۶۶۵ در بصره در مدت سلطنت معاویه اول، خلیفه امویان ساخته شد.^۱

معاویه نظر به اینکه مناره‌ها موجب برابری مساجد با کلیساهای مسیحیان با برج‌های ناقوسیشان می‌شوند، به ساختن مناره تشویق می‌کرد. در نتیجه معماران مسجد فرم برج ناقوسیشان را برای مناره‌هایشان اقتباس کردند که در اصل برای یک مقصد به کار می‌رفتند: فرا خواندن مؤمنین به نماز.

گنبدها از قرن هفتم، شاخصه معماری اسلامی بوده‌اند. با پیشرفت زمان، ابعاد گنبدهای مسجد توسعه یافت، از اشتغال تنها یک بخش کوچک سقف نزدیک محراب تا احاطه تمام سقف بالای شبستان. گرچه گنبدها معمولاً شکل

۱. بلاذری، ۱۳۹۸، ص ۳۴۳.

نیم‌کره یافتند، اما مغول‌ها در هند، گنبدهای پیاپی شکل را در آسیای جنوبی و ایران رواج دادند.

شبستان، همچنین مشهور به مصلی هیچ مبلمانی ندارد. صندلی‌ها و نیمکت‌ها در شبستان وجود ندارند. شبستان‌ها گرچه ممکن است با خطاطی عربی و آیه‌های قرآن بر دیوارها تزئین شده باشد، اما حاوی هیچ تصویری از انسان‌ها، حیوانات و شمایل روحانی نمی‌باشند. معمولاً مقابل ورودی شبستان، دیوار قبله است که مکان مورد تأکید بصری درون شبستان می‌باشد. دیوار قبله معمولاً عمود بر خط راهنمای مکه می‌باشد. جماعت در ردیف‌های موازی دیوار قبله نماز می‌خوانند و این چنین خود را نظم می‌دهند، پس به سمت مکه رو می‌کنند. در مرکز دیوار قبله، معمولاً محراب است. یک طاقچه یا فرو رفتگی دیوار قبله را نشان می‌دهد. معمولاً محراب نیز مبلمان ندارد.

۳- زیبایی معماری اسلامی

شکوه و زیبایی معماری ایران به ویژه در دوره اسلامی، به تزیین و آرایش آن بستگی دارد. هنرهای والای اسلامی از هنرهای تزیینی و کاربردی گرفته تا احداث بزرگ‌ترین بناهای مذهبی اهمیت و اعتبار ویژه‌ای دارد. تزئیناتی چون آئینه کاری، آجرکاری، گچبری، کاشیکاری، حجاری، منبت‌کاری و نقاشی در سراسر دوران اسلامی رواج داشته و در هر دوره‌ای با امکانات آن روزگاران پیشرفت کرده است.

در معماری اسلامی با استفاده از قوانین انعکاس نور با آئینه‌کاری راهروها و سقف‌ها سعی می‌شده تا نور بیشتری را به داخل بنا راهنمایی کند. از آن جمله تمامی بناهای مذهبی باقی مانده از دوران صفوی می‌باشد.

این نکته قابل ذکر می‌باشد که هنر آئینه کاری منحصر به ایران اختصاص داشته و در دوران قاجاریه به اوج شکوفایی خود رسیده است. آئینه از دیر باز در مراسم سستی ازدواج ایرانیان نیز جایگاهی ویژه دارد چنان‌که عروس و داماد در هنگام قرائت خطبه

عقد در آئینه می‌نگرند تا زندگی همچون صداقت و شفافیت آئینه داشته باشند و همچنین آئینه در سر سفره هفت سین عید نوروز از سنت‌های قدیمی و ماندگار است. از جمله بناهای آئینه کاری شده در دوران قاجار تالار آئینه می‌باشد. تالار آئینه در غرب تالار سلام و چسبیده به آن و در بالای سردر و ایوان سنگی جلو سرسرای کاخ قرار دارد و یکی از تالارهای مشهور کاخ گلستان است.

در معماری اسلام علاوه بر فضای سرپوشیده داخلی، فضای سرباز و سربز خارجی یعنی حیاط مرکزی هم از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است، همچنین در معماری این دوره سقف مانند کف طراحی نمی‌شود بلکه کف با الهام از بستر طبیعت هموار و مسطح است و سقف با الهام از آسمان لایتناهی و کلهکشان طراحی می‌شود. تنها عنصر شاخص و جاذب در نمای خارجی سردر یا ایوان ورودی است که چون طاق نصرتی برای ورود انسان طراحی می‌شود و این به منزله اهمیت بخشیدن به انسان در مقابل توده ساختمان خواهد بود. ساختمان مجسمه نیست بلکه ایمن‌گاه انسان است.

در معماری دوران اسلام فضاها بر حسب کارکردشان درجه بندی می‌شوند: در شهرها، فضاهای مذهبی و فرهنگی، قلب و کانون و نماد برجسته شهر هستند و سایر عناصر فضایی بر حسب نوع عملکردشان درجه بندی و مکان‌یابی می‌شوند. در داخل بناها و خانه‌ها هم، فضاهای جمعی در محور اصلی و فضاهای فردی و خدماتی و عبوری در حاشیه قرار می‌گیرند. در معماری دوران اسلام همیشه کانون فضا متناسب با حضور انسان خالی است. در حیاط داخلی، نقطه مرکزی آب نما است که سیال‌ترین و مواج‌ترین و در عین حال شفاف‌ترین و روح بخش‌ترین عنصر طبیعی است و از آنجا که آسمان را در دل خود دارد روح‌انگیز و فرح بخش خواهد بود. از ساختن هر چیز بیهوده و غیر مفید در معماری دوران اسلامی به شدت پرهیز می‌شود و در عین حال سعی بر تأمین مجموع نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها خواهد بود.^۱

۱. ضیاء الحق و مختاری طالقانی، ۱۳۹۴، ص ۴.

۴- مصالح ساختمانی استفاده شده در معماری اسلامی

پژوهشگران بر این باورند که تا پیش از ظهور اسلام، نقش‌پردازی‌ها در معماری، تنها با گچ‌بری انجام می‌شد، اما پس از ظهور اسلام و به‌ویژه در زمان سلجوقیان نقش‌پردازی با آجر رونق یافته و پس از آن در روزگار مغولان و تیموریان بهره‌گیری از کاشی نیز به گچ‌بری و آجرکاری افزوده شد. پژوهشگران معتقدند که کاشی‌کاری به‌ویژه در مساجد ارزشمندترین نمود قدسیت در هنر معماری اسلامی بوده که به‌صورت سمبلیک، ناظر به عالم مثال است.^۱

آجر

آجر از مهم‌ترین مصالح ساختمان در ایران قبل و بعد از اسلام بوده پژوهشگران بر این باورند که تا پیش از ظهور اسلام، نقش‌پردازی‌ها در معماری، تنها با گچ‌بری انجام می‌شد، اما پس از ظهور اسلام و به‌ویژه در زمان سلجوقیان نقش‌پردازی با آجر رونق یافت.^۲

گچ

در تمام ادوار از گچ به‌دلیل ارزان قیمت بودن و زود سفت شدن در معماری استفاده می‌شده و کاربردهای متعددی داشته است، برای آراستن سطوح داخل بناها نوشتن کتیبه‌ها تزئین محراب‌ها و... از گچ استفاده می‌شده است. اهمیت گچ‌بری در بناهای اسلامی به حدی بود که هنرمندان این رشته به «جصاص» معروف بودند و نام بسیاری از آنها در کتیبه‌های بناها به یادگار مانده است.^۳

۱. تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۹۲.

۲. نقره کار، پیشین، ص ۴۰۱.

۳. کیانی، ۱۳۷۴، ص ۷۶.

کاشی

استفاده از کاشی برای تزئین و استحکام بخشیدن به بناها از دوره سلجوقی آغاز شد و در طی قرون متمادی بویژه در عهد تیموری و صفوی به اوج رسید. کاشی نقش عمده‌ای در تزئین بناهای دوره اسلامی داشت و با شیوه‌های متفاوت توسط هنرمندان کاشیکار به کار می‌رفت برای تزئین از کاشی‌های یک رنگ، هفت رنگ، معرق در دوره سلجوقی و ایلخانی، تیموری و صفوی استفاده می‌شد بخش‌هایی از بنا همانند نبد و مناره سطوح داخل دیوارها و محراب با کاشیهای مختلف تزئین می‌شده مانند مساجد گناباد، گوهرشاد، مسجد کبود (تبریز) مسجد شیخ لطف اله و مسجد امام (اصفهان).^۱

خشت

از مصالح معمول در معماری است در دوره اسلامی یا تمامی بنا از خشت بوده یا بخشی از دیوار از خشت و بقیه از آجر بوده است. از آنجایی که مقاومت خشت در برابر باد و باران و برف اندک است بناهای خشتی زیادی از روزگاران گذشته باقی نمانده است.^۲

سنگ

در معماری اسلامی از سنگ برای کار در شالوده، بدنه، فرش کردن کف و تزئین بنا استفاده می‌شد. بهره‌گیری از سن تقریباً در سراسر ایران مرسوم و متداول بوده، برای ساختن کتیبه سنگ‌های گوناگونی چون سنگ سیاه، سنگ آهک و سنگ مرمر به کار می‌رفت مانند کاروانسرای مرند و کتیبه‌های مسجد میدان کاشان.^۳

۱. نقره کار، پیشین، ص ۴۰۱.

۲. ورجاوند، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۱۴۵.

۳. فرشاد، ۱۳۷۶، صص ۱۴۶-۱۴۷.

چوب

استفاده از چوب برای ساختن در، پنجره، صندوق‌های ضریح، ستون‌ها و تیر سقف و چهارچوب از ویژگی‌های معماری اسلامی است که در ناحیه مازندران و گیلان رواج بیشتری داشته است. درخت‌های تبریزی، سپیدار، چنار، کاج و گردو از جمله درخت‌هایی بودند که از چوب آنها برای بخش‌های گوناگون بنا استفاده می‌شده است. مسجد جامع ورامین، ارگ علیشاه در تبریز و ضریح امامزاده صالح از این نمونه‌ها هستند.^۱

شیشه

از شیشه‌های الوان به رنگ‌های سرخ، آبی، بنفش و سبز برای تأمین روشنایی و تزیین در و پنجره و قاب‌های گنبد خانه‌ها و شبستان‌ها استفاده می‌شد شیشه دارای کاربرد وسیعی بوده مانند عالی قاپو اصفهان مسجد نمادی بی‌نظیر از معماری اسلامی و نمایشگاهی از هنر اسلامی است.^۲

۲- مکاتب معماری اسلامی

۱- مقدمه

مساجد مهم‌ترین بناهایی بودند که به دست مسلمانان ساخته شدند. ساختمان مساجد در ابتدا ساده و مرکب از یک بنای چهارگوش بود که سقف آن بر ستون‌هایی از تنه‌ی نخل یا آنچه از بناهای قدیمی به دست آورده بودند، قرار می‌گرفت. سپس نقشه مساجد به دست معماران و بناهایی از اقوام غیرعرب تحول یافت و عناصر و اجزایی در آن داخل شد که برخی صاحب‌نظران آنها را برگرفته از معماری مسیحیان می‌دانند. اندک زمانی بعد، ساختمان مسجدها به شکل و شیوه‌ای درآمد که همچنان

۱. فروتنی، ۱۳۸۳، ص ۵۶.

۲. امامی و پاک‌گوهر، ۱۳۹۶، ص ۵.



پابرجاست. معمولاً بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسجدها شامل یک صحن بزرگ و روباز هستند که اغلب در وسط آن‌ها حوض آبی قرار دارد. گرداگرد این حیاط چهار رواق بر ستون‌های برافراشته شده‌اند که رواق رو به قبله بسیار وسیع است و محراب و منبر در آن قرار گرفته است. این رواق را حرم (شبستان) می‌نامند.

به لحاظ موقعیت و اهمیت، به دنبال مسجدها، مدرسه‌ها قرار می‌گیرند که از قرن پنجم هجری قمری به بعد دارای بنا و معماری خاصی شدند. تا پیش از این تاریخ آموزش در مسجد انجام می‌شد. (در تاریخ اسلام تا پیش از قرن ۵ هجری مکان آموزش منحصر به مساجد نبود و تعلیم و تربیت در مکتب خانه‌ها، قصرها و خانه‌های علما نیز انجام می‌گرفت). نقشه مدرسه معمولاً شامل یک حیاط روباز بود که گرداگرد آن را چهار ایوان عمود بر هم در بر گرفته بودند. یکی از این ایوان‌ها ورودی ساختمان بود و در آن پلکانی قرار داشت که به طبقه‌ی بالا منتهی می‌گردید.^۱ پس از مسجد و مدرسه می‌توان مقبره‌ها را نام برد که مشهد و گاهی تربت یا قبه نامیده شده‌اند. نقشه‌ی مقبره‌ها در شهرهای مختلف اسلامی گوناگون است، ولی بنای آن‌ها از اتاقی که بر فراز آن گنبدی قرار گرفته فراتر نمی‌رود.

غیر از این بایستی از رباط نام برد که نوعی بنای نظامی و محل سکونت مجاهدان و سربازان بود. کار بنای رباط‌ها در دوره‌های اول تاریخ اسلام گسترش یافت و نقشه آن‌ها در کامل‌ترین شکل خویش مرکب از بنای مستطیل شکلی بود که بر بالای آن برج‌هایی برای مراقبت و نگهبانی ساخته شده بود. گرداگرد صحن داخلی بنا نیز اتاق‌هایی قرار داشت. این‌گونه ساختمان‌ها منفذ خارجی (پنجره‌ای) نداشتند. با گذشت زمان کاربرد نظامی رباط‌ها از بین رفت و این ساختمان‌ها تبدیل به محل ریاضت و اقامت صوفیه شدند.

۱. سید جوادی، ۱۳۹۲، ص ۱۱.

از دیگر بناهای مسلمانان می‌توان خانقاه‌ها یا تکیه‌ها را نام برد که آن‌ها نیز محل سکونت صوفیان بودند. مسلمانان همچنین راه‌ها، بیمارستان‌ها، کاروان‌سراها و بازارهایی در شهرها ساختند. حمام‌ها نیز در تاریخ معماری اسلامی اهمیت خاصی دارند؛ حمام‌ها به گونه‌ای ساخته می‌شدند که استحمام‌کننده را به نحو مناسبی از هوای گرم به هوای آزاد منتقل می‌کردند به این گونه که در هر حمام سه بخش قرار داشت که هر یک از آن‌ها خنک‌تر از قسمت پیشین بود.^۱

در خصوص قصرها باید گفت؛ با وجود آنکه مسلمانان توجه فراوانی به ساختن آن‌ها کردند، ولی متأسفانه چیز قابل ذکری از ترتیب و نقشه ساختمان آن‌ها در دست نیست. به‌استثنای آنچه مربوط به دوره‌های متأخر - از اواخر قرن ششم هجری قمری به بعد - است، زیرا مهم‌ترین کاخ‌های اسلامی، خصوصاً کاخ‌های عباسی در عراق، از بین رفته‌اند و کاخ‌های باقی‌مانده نیز بیشتر در آندلس قرار دارند.^۲

در بررسی معماری اسلامی می‌توان به این نکته پی برد که این معماری بیشتر یک معماری مذهبی است که در همان دوره‌ای که به اسلوب خاصی دست یافت، سایر شیوه‌هایی را نیز که شناخته بود، اقتباس کرد. معماری اسلامی در بیشتر موارد از رفاه دولت و تمایلات شخصی حکام تبعیت می‌کرد و نکته دیگر اینکه معماری هر ناحیه‌ای از نواحی دنیای اسلام، با شماری از ویژگی‌های خود متمایز می‌گردد و همین نکته امکان تقسیم مکتب‌های معماری اسلامی را برای ما به شش مکتب ممکن می‌سازد.

۱. حاجی قاسمی، ۱۳۹۰، ص ۵.

۲. همان.

۲- مکتب شام و مصر

اشتراک شام و مصر در تاریخ، به دوره‌ای در حدود هزار و پانصد سال پیش از میلاد برمی‌گردد. آثار این اشتراک، در وحدت میراث هنری این دو ناحیه نیز قابل مشاهده است. معماری اسلامی از دوره اموی به بعد، در هر دو ناحیه تحت تأثیرات محلی یکسانی که به هنر یونانی شرقی و بیزانسی مربوط است، قرار گرفت. اشتراک مصر و شام در دوره طولونی‌ها، اخشیدی‌ها (خانواده‌ای از امیران ایرانی‌نژاد که از سال ۳۲۳ تا ۳۵۸ هجری در مصر و شام و دمشق و نیز بخش‌هایی از حجاز به استقلال فرمانروایی کردند) و سپس فاطمیان، ایوبیان، ممالیک و عثمانی‌ها ادامه یافت و این همان چیزی است که همراه پیوند جغرافیایی این دو ناحیه اسلوب‌های هنری آن را نیز توضیح می‌دهد.

ساختمان مساجد در این مکتب تا قرن چهارم هجری قمری مستطیل‌شکل و سقف بیشتر آن‌ها صاف و مسطح و بدون گنبد بود. سقف‌های گنبددار در قرن چهارم هجری قمری در دوره فاطمیان پدید آمد. همان‌گونه که عنصر تزئینی مقرنس نیز از همین دوره پدیدار شد. اما طاق‌ها در این مکتب؛ نیم دایره، تیز و یا به شکل بریده ناقصی از طاق‌های نعل اسبی و مناره‌ها بیشتر چند ضلعی و گاهی چهارگوش هستند. در دوره‌های اخیر، در قلمرو مکتب معماری شام و مصر، تزئین بناها به وسیله تنوع رنگی سنگ‌های بکار برده شده در آن‌ها و ساختن اشکال تزئینی به این وسیله شکل گرفت.^۱

درخشان‌ترین دوره‌های این مکتب، دوره‌ی امویان در شام، فاطمیان و ایوبیان در مصر و ممالیک در هر دو ناحیه بود. از مهم‌ترین بناهای این مکتب می‌توان به جامعه عمرو در مصر، جامع اموی در دمشق، قبة الصخره در قدس

۱. جمالی، ۱۳۹۱، ص ۲۰.

جامع الازهر در مصر، مدرسه ظاهریه و نیز مدرسه بزرگ عادلیه در دمشق و قلعه حلب را نام برد.

۳- مکتب عراقی - ایرانی

اصول اولیه شیوه‌های این مکتب ایرانی است. این مکتب در عهد عباسی گسترش یافت، ولی تأثیرگذاری آن به غرب عراق محدود شد. این مکتب در قرن سوم هجری قمری در شهر سامراء به اوج خود رسید. توضیح و تبیین بسیاری از شیوه‌های این مکتب به‌جز آنچه به دوره‌های متأخر مربوط می‌گردد، برای ما امکان‌پذیر نیست. یکی از این دوره‌ها دوره صفویه خصوصاً در قرن‌های دهم و یازدهم هجری قمری است که یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنر اسلامی ایرانی به شمار می‌آید. در این دوره بود که طاق‌های ایرانی نوک‌تیز و کم‌ارتفاع بکار برده شدند. در مسجدها نیز درهای بزرگ با چهارچوب‌های مستطیل‌شکل مزینی بکار برده شدند که در دو سوی آن‌ها دو مناره خوش قامت گردن افراشته بود. بیشتر مناره‌های این دوره استوانه‌ای هستند، ولی گنبدها دراز و پیازی‌شکل‌اند و از بیرون و درون تزیین شده‌اند. شهرت این مکتب به کاشیکاری‌هایی با تزیین‌های گیاهی و کاربرد نادر تزیینات هندسی است.^۱

مهم‌ترین آثار این مکتب در شهرهای بغداد و سامراء به وجود آمده‌اند، ولی امروزه بیشتر آن‌ها ویران‌اند. در ایران ساختمان‌های زیبای اصفهان، مخصوصاً میدان شاه که قلب هنری شهر است و نیز مسجدهای شاه و شیخ لطف‌الله قابل ذکر هستند. مسجد شاه را که به دست شاه عباس (پنجمین و مشهورترین شاه صفوی حکومت ۹۸۵ تا ۱۰۳۸ ه.ق.) بنا شد، برخی از جمله زیباترین بناهای عالم می‌دانند. شهرت این بنا به فراوانی تزیینات داخلی آن است، اگرچه وحدت اسلوب معماری

۱. همان، ص ۲۲.

در آن چندان تکامل یافته نیست. از دیگر آثار این مکتب، ساختمان مشهد کاظمین (مدفن امام موسی کاظم و امام محمدتقی علیه السلام) در کنار بغداد است، که در قرن دهم هجری قمری به دست شاه اسماعیل صفوی به پایان رسید.^۱

در دوره صفویه بنای مقبره‌ها به دو صورت رایج شد. در غرب ایران مقبره‌ها عبارت بودند از: رواق بزرگی که در دنباله آن بنایی قرار داشت و بر بالای آن گنبدی واقع شده بود. اما در شرق ایران، مقبره‌ها شکل کاخ‌هایی هشت گوش به خود گرفتند. از زیباترین نمونه‌های مقبره‌ها در دوره صفویه، مجموعه آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل است که در قرن دهم هجری قمری ساخته و در اواخر قرن یازدهم هجری قمری تکمیل شد.^۲

۷۰

۴- مکتب هند

در قرن‌های ششم تا دهم قمری در شمال هند بناهای اسلامی با شیوه هندی به وجود آمدند. سپس در قرون دهم تا دوازدهم قمری سلاطین مغول در ساختمان‌های خود طاق و گنبدهای پیازی شکل را از مکتب ایرانی اقتباس کردند. آنان استفاده از رخام تراشیده و ستون‌های قطور را بر این سبک افزودند. یکی از مشهورترین مراکز مکتب هنر هندی، شهر دهلی است که قصر امپراطوران مغول و جامعه اکبر در آن قرار دارد. هنگام مطالعه در مکتب معماری هند، به‌خصوص بایستی به شهر آگرا اشاره کرد که به اثر هنری خارق‌العاده خود، تاج‌محل، مشهور است. این ساختمان مقبره یادبود همسر شاه جهان است که در سال ۱۰۴۱ قمری درگذشت. کار ساختمان این بنا ۲۲ سال طول کشید و بیست هزار کارگر در آن بکار پرداختند.^۳

۱. همان، ص ۲۳.

۲. عابدی، ۱۳۹۴، ص ۴۳.

۳. سهیل عمر، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲.

۵- مکتب مغرب و آندلس

سبک معماری اموی همچنان تا قرن پنجم قمری در آندلس رواج داشت. این سبک به خصوص در بنای مسجد جامع قرطبه جلوه گر شد. سبک مغربی اندلسی پس از این تاریخ در دوره مرابطین موحدین پدید آمد و شکوفا گردید این سبک در قرن نهم قمری در بنای کاخ الحمراء به اوج خود رسید. پیوستگی حکومت مغرب و آندلس نوعی تشابه و یکسانی اسلوب‌های هنری را در این دو ناحیه به ارمغان آورد. این سبک در مراکش تا دوره سلسله شریفان سعدی مراکش (قرن دهم و یازدهم قمری) ادامه یافت و پس از آن رو به انحطاط نهاد.

بارزترین ویژگی این مکتب کنگره‌های دنداندار چوبی بر فراز دروازه‌ها و نیز طاق‌های بلندی است که درون آن‌ها با مقرنس پوشیده شده است. بیشتر مناره‌ها چهارگوش و پوشیده از کاشی و ستون هستند در این مکتب کاربرد گچ‌بری‌ها، حوض‌ها و فواره‌ها و نیز استعمال رنگ طلایی در تزیینات، فراوان به چشم می‌خورد. مهم‌ترین بناهای متعلق به این مکتب در آندلس به جز قصرهای الحمراء و الزهرا عبارت‌اند از: جامع قرطبه و مناره چهارگوش آن که ارتفاعش حدود ۷۳ ذراع (ذراع فاصله‌ی آرنج تا نوک انگشتان را گویند) است. مدرسه عطارین و جامع قرویین در فاس و جامع الکتیبیه در مراکش.^۱

۶- مکتب مدجّان (مکتب اندلس پس از سقوط حکومت اسلامی)

هنر اسلامی در اسپانیا با سقوط غرناطه در سال ۸۹۷ ه‍.ق. پایان نیافت، بلکه تأثیر آن در این ناحیه و جزایر اطراف آن تحت عنوان هنر مدجّان و به دست مدجّان (مسلمانان اندلسی که تحت حکومت مسیحیان به زندگی ادامه می‌دادند) در حدود یک قرن ادامه یافت اثر حضور این گروه و عناصر هنری اسلامی در تزیین کلیساهای

۱. همان، ۱۳۵.

روسی و گوتیک ظاهر شد و سپس در دوره رنسانس با عناصری که از ایتالیا آمده بود، درهم آمیخت.

اولین بار هنر مدجن در کاستیل و در ساختمان کلیساهایی که پس از سال ۴۷۸ هجری قمری یعنی سال سقوط طلیطله بنا شدند، آشکار گردید. از جمله این کلیساها می‌توان به کلیسای سانت رومان با طاق‌های نعل اسبی و تزیینات گوناگون اسلامی آن اشاره کرد و نیز کلیساهای سانت ماری لابلانش در طلیطله و کلیسای سلطنتی یا سان فرناندو که آلفونسوی حکیم (۶۵۰ تا ۶۸۵ ه.ق.) آن را در مسجد بزرگ اموی قرطبه بنا کرد و معماران مقرنس‌ها و تزیینات گیاهی آن را همانند هنر اسلامی غرناطه ترتیب دادند. همچنین بایستی به القصر در اشبیلیه اشاره کرد که نویسندگان هنری از گنبدهای آن که به‌گونه‌ای بسیار فاخر زینت شده‌اند و نیز باغچه‌های زیبای آن سخن گفته‌اند. همه این موارد به‌صورت قاطع بر استمرار کاربرد هنر اسلامی توسط پادشاهان مسیحی اسپانیا تأکید می‌کنند.^۱

۷- مکتب عثمانی

عثمانی‌ها در وهله اول از سبک عراقی و ایرانی و در مرحله بعد از سبک بیزانسی تأثیر پذیرفتند. آنان از مکتب ایرانی تزیینات و کاشی‌کاری و از مکتب بیزانسی روش ساختمان سازی را اقتباس کردند. این چنین بود که مساجد جامع عثمانی ساخته شده‌اند. این مسجدها مرکب از یک شبستان چهارگوش‌اند که صحن خارجی ندارند و بر فراز آن گنبد کوتاهی قرار گرفته و در هر دو سمت این شبستان اتاق‌هایی به شکل نیم دایره وجود دارد که بر بالای آن‌ها نیم گنبدهایی واقع شده است. اما مناره‌ها بدلیل کثرت اضلاعشان در حقیقت مدور ولی بسیار خوش قامت‌اند و در انتها نازک می‌گردند. مناره‌های عثمانی معمولاً دو یا سه کنگره دارند.

۱. همان، ص ۱۴۱.

در این مکتب ساختمان‌ها به وسیله کاشی‌های کبود و گاهی نیز سنگ‌های رنگی آراسته شده‌اند.

مهم‌ترین مرکز این مکتب شهر استانبول است و بارزترین بناهای متعلق به آن، به غیر از دو قصر بزرگ دمشق و حماه عبارت‌اند از: جامع سلیمانیه، جامع سلطان بایزید و تکیه سلیمانیه و جامع سنائیّه در دمشق.^۱



نتیجه گیری

هنر معماری اسلامی به واسطه وجود معماران زبردست که فعالیت‌های ابداعی انجام می‌دادند با رعایت یکسری اصول خاص بسط و گسترش یافت که این هنر بر درایت و نوع نگاه دینی شخص صحنه می‌گذاشت؛ در واقع این نوع معماری بر نظرات، تجارب و ابتکاراتی متکی بود که معمار از آن بهره می‌گرفت. این مسأله منجر به تنوع در معماری اسلامی شد و با توجه به اینکه این معماری از زبان قرآن نشأت می‌گرفت، عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره‌گیری از روح معنویت نشان می‌داد.

معماری اسلامی دارای شاخصه‌های متفاوتی است که آن را از سبک و سیاق دیگر بناها جدا می‌سازد. این مؤلفه‌ها شامل هندسه علمی و هنرهای ابداعی برگرفته از اندیشه‌های معنوی شخص می‌شود. ابداعی که معمار از آن بهره‌مند می‌شد، شیوه‌ای است که در هنر معماری پیش از این سابقه نداشته است و این به علت ویژگی‌های دینی در اندیشه زیبایی‌شناسی اسلام است که در هنر معماری اسلامی متجلی شده است.

ارتباط معماری با دین اسلام نشانه اعتقاد به توحید، ایمان و عمل به آموزه‌ها و تعالیم دین اسلام است. اندیشه توحیدی مبنی بر اعتقاد به خدای واحد سبکی بود که در اکثر هنرهای اسلامی به عنوان موضوعی بکر به کار می‌رفت.

وحدت و تنوع در معماری اسلامی شاید از برجسته‌ترین ویژگی‌های آن باشد. این وحدت عامل اساسی توسعه و تکوین هویت معماری اسلامی و تأسیسات دینی به شمار می‌رود. به طوری که شیوه‌های معماری اسلامی در هر یک از کشورهای اسلامی متفاوت بوده است، اما وحدت در آنها به خوبی مشاهده می‌شود. حتی در ساختمان‌های دینی که در پاریس، لندن، مونیخ و دیگر شهرهای اروپایی به شیوه

بررسی مروری مبانی و مکاتب معماری اسلامی در جوامع اسلامی

معماری اسلامی ساخته می‌شد، هویت اسلامی کاملاً مشخص است و نشان می‌دهد که اسلام در اروپا اشاعه یافته و مسلمانان به ویژه معماران اسلامی بیشترین نقش را در ارائه تمدن و هویت اسلامی داشتند.



منابع و مأخذ

۱. امامی، سید محمدامین؛ پاک‌گوهر، سجاد، «مفتول‌های شیشه‌ای چغازنبیل؛ اولین نشانه‌های شیشه‌گری ایران در هزاره دوم پیش از میلاد»، *دو فصلنامه پژوهش باستان سنجی*. ش. ۱۵-۱: ۵، ۱۳۹۶.
۲. اورعی زارع، علیرضا، «طرح‌های بازسازی و معماری حرم امام حسین (علیه السلام)»، *سایت ستاوین*، تاریخ درج: ۹ مهر ۱۳۹۶، تاریخ بازدید: ۱۸ آذر ۱۴۰۲.
۳. بلاذری، فتوح البلدان؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ ه.ق.
۴. بمانیان، محمدرضا، «بررسی نقش خدا محوری در معماری مسلمانان»، *نشریه بین‌المللی علوم مهندسی*، دوره ۱۸، ش ۵، ۱۳۸۶.
۵. بورکهارت، تیتوس، *ارزش‌های جاویدان در هنر اسلامی*؛ ترجمه: مسعود رجب‌نیا، چ ۲، تهران: سروش، ۱۳۹۲.
۶. تفضلی، عباس‌علی، «قبله‌نمای مسجد»، *محراب، مطالعات اسلامی*، شماره ۳۵ و ۳۶، بهار و تابستان ۱۳۷۶.
۷. جمالی، شادی، «بررسی تطبیقی تزئینات کاشی‌کاری در معماری مساجد دوره‌های صفویه و قاجاریه با تکیه بر چهار مصداق تصویری»، *نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، دانشگاه هنر، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۸. حاج سید جواد، سید کمال، «تأملی در مفهوم قدر؛ نظریه بنیادی هنر، معماری و زیبایی در تمدن اسلامی»، *کیمیای هنر*، ش ۸، پاییز ۱۳۹۲.
۹. حاجی قاسمی، کامبیز، «تأملی در مفهوم معماری اسلامی ایران و راه فهم آن»، *صفحه*، دوره بیست و یکم، ش ۱، بهار ۱۳۹۰.
۱۰. سهیل عمر، محمد، *هنر اسلامی، راز و رمز هنر دینی*، تهران: سروش، ۱۳۸۰.



۱۱. ضیاءالحق، شهاب‌الدین؛ مختاری طالقانی، اسکندر، «بررسی جایگاه آب در باغ ایرانی»، *دومین کنفرانس*، ۱۳۹۴.
۱۲. عابدی، محمدحسین، «گونه‌شناسی بناهای آرامگاهی معماری ایران دوران اسلامی»، *همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران*، بهمن ۱۳۹۴.
۱۳. فرشاد، مهدی، *تاریخ مهندسی در ایران*؛ تهران: بلخ، ۱۳۷۶.
۱۴. فروتنی، سام، *مصالح و ساختمان*، تهران: روزنه، ۱۳۸۳.
۱۵. کیانی، محمدیوسف، *تزئینات وابسته به معماری دوران اسامی*، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۶.
۱۶. *معماری و منظر شهری پایدار*.
۱۷. نقره کار، عبدالحمید، *مبانی نظری معماری*؛ تهران: نشر پیام نور، ۱۳۸۹.
۱۸. ورجاوند، پرویز، «خشت»، *دائرة المعارف تشیع*، زیر نظر: احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۸.



